

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال دهم، شماره ۳۴، بهار و تابستان ۱۳۹۷ (صص: ۱۶۶-۱۴۷)

بررسی نقش و جایگاه افغانستان در روابط استراتژیک ایران و هند

۳- مهدی کاظمی

۲- عنایت الله یزدانی

۱- یدالله دهقان

چکیده

در سال های اخیر روابط دوکشور ایران و هند علی رغم گذشته بسیار مطلوب، دارای فراز و نشیب های زیادی بوده است که یکی از مهمترین دلایل آن، حضور و نفوذ آمریکا در هند و دخالت های مستمر این کشور در مسائل منطقه ای می باشد. با این وجود، هنوز موارد متعددی در سطح منطقه وجود دارد که توجه دو کشور ایران و هند را برای همکاری های همه جانبه به خود جلب کرده است. یکی از مهمترین این موارد کشور افغانستان است که در منطقه استراتژیک قلب آسیا واقع شده و ایران و هند منافع مشترک زیادی در این کشور برای همکاری مشاهده می کنند. از جمله مهمترین این موارد می توان به تهدیدات مربوط به فعالیت گروه های تروریستی و تندروی مذهبی مانند داعش و طالبان، پتانسیل های بسیار مساعد اقتصادی بخصوص بازارهای داخلی افغانستان، بحث های مربوط به حمل و نقل و ارتباطات، مساله انرژی بخصوص گاز، منابع غنی معدنی مانند طلا و مس و... اشاره کرد. بنابراین سوال اصلی تحقیق این است که در روابط استراتژیک ایران و هند، افغانستان چه نقشی را می تواند ایفا نماید؟ روش پژوهش با توجه به ماهیت نظری تحقیق کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی تحلیلی بوده که در آن از تکنیک مطالعه موردی استفاده شده است.

کلید واژه ها: روابط استراتژیک، همکاری منطقه ای، تروریسم، دیپلماسی فعال، تنش زدایی.

Email: y.dehghan@iaubir.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد بیرجند (نویسنده مسئول)

Email: eyazdan@ase.ui.ac.ir

۲- دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

Email: mkazemi82@yahoo.com ۳- کارشناس ارشد روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۲/۱۸

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۳

۱- مقدمه

یکی از موضوعاتی که می‌تواند در همگرایی و همکاری‌های منطقه‌ای ایران و هند مؤثر واقع شود و مناسبات میان دو کشور را بیش از پیش تقویت نماید، مساله افغانستان و همکاری‌های تهران - دهلی نو برسر موضوعات متعدد موجود در این کشور می‌باشد. ایران و هند از منافع متعدد و مشترکی در افغانستان برخوردار هستند که طی سال‌های اخیر منجر به افزایش تماس‌ها و ارتباطات دو کشور در این حوزه شده است. بخصوص تهدیدات مشترکی که از ناحیه گروه‌های تندرو مذهبی مانند داعش، طالبان و.. وجود و مقامات دو کشور از نقطه نظرات یکسان و مشترکی در مورد مقابله با این گروه‌ها برخوردار هستند. (سمبیر و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۵۶). هند همواره نگران تحرکات و اقدامات افراطی گروه‌های بنیادگرا، بخصوص در منطقه مورد مناقشه خود با پاکستان، یعنی مناطق مسلمان نشین کشمیر و جامو بوده است؛ از آنجا که رابطه پیچیده و معناداری میان پاکستان و گروه‌های بنیادگرا نظیر طالبان مستقر در پاکستان و افغانستان در شبه جزیره هند وجود دارد (که منجر به نفوذ شبه نظامیان و تحریک جدایی طلبان در سراسر منطقه از جمله کشمیر شده) و همچنین ظهور نیروهای وابسته به داعش در افغانستان که به اعتقاد بسیاری از تحلیل‌گران مورد حمایت دستگاه اطلاعاتی پاکستان هستند لذا این کشور تمایل جدی برای همکاری با ایران را دارد تا بگونه‌ای از پتانسیل بسیار خوب ایران برای مقابله با این گروه‌ها افراط‌گرا و نابودی و یا محدود کردن آنها در پاکستان و افغانستان و نیز آرام سازی مناطق مورد مناقشه خود با پاکستان استفاده نماید. (شفیعی واسکندی، ۱۳۹۰: ۳۷). هند که به همراه ایران از اعضای حاضر در پیمان شانگهای می‌باشند همواره بر نقش ایران در آرامش و ثبات افغانستان تأکید دارد. نفوذ ایران در افغانستان با توجه به ریشه‌های فرهنگی، آگاهی و احاطه بر مشکلات این کشور، روابط دوستانه با دولت مرکزی افغانستان و گروه‌های مجاهدین و سران قبایل برهیچ کشوری از جمله هند پوشیده نیست. هند برای کنترل گروه‌های افراطی در افغانستان و پاکستان که هرازچندگاهی به داخل مرزهایش نفوذ می‌کنند و با انجام عملیاتهای انتحاری و یا مسلحانه خواب مقامات هندی را آشفته می‌کنند، به کمک ایران نیاز دارد و تنها از طریق ایران می‌تواند منافع خود را در این زمینه تأمین کند. بخصوص که ایران و هند هر دو داعش، طالبان و گروه القاعده را از سازمانهای تروریستی می‌دانند. علاوه بر این ظرفیت‌های بسیار خوبی که در کشور افغانستان به لحاظ مسائل اقتصادی، بازرگانی، منابع معدنی و طبیعی وجود دارد می‌تواند شرایط همکاری‌های

بیش از پیش دو کشور را برای سرمایه گذاری های مشترک در افغانستان و استفاده از بازارهای مطلوب این کشور فراهم آورد. (مدیرشانه چی، ۱۳۹۰)

۱-۱- بیان مساله و سوالات تحقیق

افغانستان به عنوان یک کشور بسیار مهم در منطقه استراتژیک خاورمیانه که در همجواری کشورهای ایران و هند قرار دارد دارای پتانسیل های بسیار مناسبی برای ارتقاء همکاری های دو کشور می باشد و لذا برنامه ریزی و همکاری ایران و هند بر سر مسائل مشترک چه در حوزه دغدغه های امنیتی و چه در حوزه استفاده از ظرفیت های اقتصادی می تواند سبب نزدیکی بیش از پیش دو کشور بشود. لذا با توجه به این همجواری و وجود ظرفیت های گسترده پیش گفته در حوزه افغانستان این سوال مطرح می شود که افغانستان چه نقش و جایگاهی را می تواند در روابط استراتژیک ایران و هند ایفا نماید؟ فرضیه مقاله نیز این است که به نظر میرسد افغانستان با توجه به شرایط موجود در این کشور از جنبه های مختلف امنیتی، سیاسی و اقتصادی می تواند نقش بسیار مهم و تاثیرگذاری را بر افزایش روابط ایران و هندوهمکاری و همگرایی این دو کشور داشته باشد.

۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

همکاری های منطقه ای همواره به عنوان یکی از اصلی ترین عوامل پیوند بین کشورهای همسایه و افزایش حس اعتماد و حسن همجواری بین آنها می باشد. لذا شناخت پتانسیل ها و زمینه های افزایش همکاری و همگرایی منطقه ای ضمن اینکه می تواند پیوند های محکمی را در سطح منطقه بین کشورهای حاضر ایجاد نماید، می تواند مانع از نفوذ و رسوخ قدرت های فرامنطقه ای مانند امریکا در این منطقه بسیار استراتژیک و استفاده از ظرفیت های بالای منطقه به نفع خود بشود. لذا هر چه کشورهای حاضر در منطقه خاورمیانه و جنوب آسیا از ظرفیت های داخلی هم اطلاعات دقیق تر و کامل تری داشته باشند، می توانند نقش موثرتری در برطرف کردن نیازهای یکدیگر و کاهش هزینه ها و افزایش منافع ملی یکدیگر ایفا نمایند. بنابراین در راستای این هدف مهم، مقاله حاضر نیز قصد دارد ضمن بررسی فرصت ها و تهدیدات موجود در کشور افغانستان که ایران و هند نظر و تفاهم مشترکی بر روی آن دارند، باب افزایش همکاری ها بین دو طرف را باز نموده و موجبات استحکام بیشتر همکاری های منطقه ای را فراهم سازد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش با توجه به ماهیت نظری آن کیفی مبتنی بر رویکرد توصیفی تحلیلی بوده که در آن از تکنیک مطالعه موردی استفاده شده است. مطالعه موردی روشی است که از آن برای بررسی نظام مند افراد، گروه ها، سازمان ها، جنبش ها و یا رویدادها استفاده می شود و محقق نیازمند فهم و تبیین یک پدیده است. (ویمر و دومینیک، ۱۳۸۴: ۲۰۰) همچنین در روش پژوهش کیفی از اطلاعات و داده های پژوهشهای تاریخی، توصیفی و تجربی استفاده می شود. پژوهشگران کیفیت گرا سعی دارند به درک اوضاع و احوال فرآیندهای پیچیده سیاسی اجتماعی نایل آیند. (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۳۸) اطلاعات مورد نیاز برای این تحقیق نیز از طریق منابع کتابخانه و اینترنتی و ... جمع آوری و مورد استفاده قرار گرفته است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

ببررسی اسناد و مقالات و کتاب های مختلف مشخص گردید که تا کنون مقاله یا کتابی به طور خاص در مورد نقش افغانستان در روابط ایران و هند نوشته نشده است ولیکن در خصوص روابط هند با ایران، هند با افغانستان و ایران و افغانستان مقالات و کتب متعددی نوشته شده است که برخی از آنها به شرح زیر مورد بررسی قرار می گیرد: در مقاله ای با عنوان «رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: با نگاه به ایران» که توسط نوذرشفیعی و دکترافشین متقی نوشته شده در شماره ۲۶ فصلنامه بین المللی ژئوپلتیک در تابستان ۱۳۹۱ به چاپ رسیده براین موضوع تاکید می شود که هند درصدد است تا با نقش آفرینی بیشتر در تحولات داخلی افغانستان و کمک به بازسازی این کشور، نفوذ دشمن دیرینه خود - پاکستان - را کاهش داده و به «محاصره سیاسی» این کشور بپردازد. لذا در راستای اجرای این سیاست نگاه ویژه ای به سمت ایران که او نیز سیاست نگاه به شرق را دنبال می کند دارد و هند به این نتیجه رسیده است که می تواند از پتانسیل ایران برای تحقق اهداف خود در افغانستان استفاده کند. در مقاله دیگری با عنوان «نقش بازیگران منطقه ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان» که توسط محمدجواد آقاجری و مرتضی کریمی نوشته شده و در شماره ۳۰ فصلنامه مطالعات روابط بین الملل در تابستان ۱۳۹۴ به چاپ رسیده به بررسی و تجزیه و تحلیل نقش بازیگران منطقه ای پاکستان، هند و ایران در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و بعد از سقوط آن می

پردازد. مبحث قابل توجه در این مقاله بدین ترتیب مطرح می شود که ایران و پاکستان و هند هر کدام به دلیل موقعیت ژئوپلیتیکی و منطقه ای و نوع سابقه ای که در روابط خود با افغانستان دارند می توانند نقش بسیار مهمی در مبارزه با طالبان و همچنین دوران پسا طالبان در افغانستان ایفا نمایند. همچنین در مقاله دیگری با عنوان «روابط ایران و هند فرصت ها و محدودیت ها» که توسط سید امیرنیاکوئی و سجاد بهرامی مقدم نوشته شده و در شماره اول فصلنامه روابط خارجی در بهار ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است نویسندگان در بخش فرصت های روابط ایران و هند از افغانستان به عنوان یک فرصت مهم در تقویت روابط ایران و هند یاد می کنند و عنوان می دارند که کشورهای ایران و هند در زمینه ها مختلف سیاسی، امنیتی، اقتصادی و فرهنگی دارای منافع مشترکی در افغانستان می باشند و بر مبنای همین منافع مشترک می توانند سطح تعاملات و همکاری های منطقه ای و میان بخشی را به حداکثر ممکن افزایش دهند.

۲- سیاست خارجی ایران و هند نسبت به افغانستان

۲-۱- سیاست خارجی ایران نسبت به افغانستان

سیاست کنونی ایران در رابطه با افغانستان از لحاظ تاکتیکی و هدف نهایی متکی بر انجام وظیفه نیل به وفاق سیاسی در جمهوری اسلامی افغانستان بر مبنای توازن منافع اقوام، مناطق، مذاهب، گروه بندیهای سیاسی- نظامی و همچنین هماهنگی منافع دول دارنده موضع در این کشور، است. ایران از مساعی سازمان ملل متحد و جامعه جهانی برای حل سیاسی مسایل افغانستان در دوره پس از منازعات حمایت کرد. ایرانیها در امر دستیابی به توافقات ((بن)) در دسامبر سال ۲۰۰۱ مساعدت واز ایجاد حکومت به رهبری حامد کرزی حمایت کردند. حامد کرزی نیز در سال ۲۰۰۲ از تهران بازدید کرد. در ایران نیز بمنظور هماهنگ سازی فعالیت های اداره های مختلف، ستاد یا قرارگاه امور افغانستان ایجاد گردید که در ترکیب آن نمایندگان دفتر رهبر انقلاب، وزارت خارجه، وزارت دفاع، وزارت کشور، وزارت اطلاعات، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حضور داشتند و نمایندگان این قرارگاه در استان های خراسان و سیستان و بلوچستان ایجاد گردیدند. همچنین تهران آمادگی خود را در زمینه کمک برای بازسازی اقتصادی افغانستان ابراز داشت و در کنفرانس توکیو در سال ۲۰۰۲ ایرانی ها اعلام داشتند که سهم کشور شان در این عرصه به ۵۰۰ میلیون دلار میرسد. (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۲)

ایران در سال های اخیر در زمینه های مختلفی از قبیل جاده سازی، راه آهن، پل، سد سازی، کشاورزی، برق رسانی، دامداری، پرورش انواع طیور و... در افغانستان سرمایه گذاری کرده است. ایران می داند که در حال حاضر افغانستان به عنوان یک بازار بسیار مناسب برای صادرات تولیدات ایرانی محسوب می گردد چرا که در حال حاضر تقریباً هیچ کالایی در کشور افغانستان تولید نمی شود و این موضوع فرصت مناسبی را برای صادرات کالاهای ایرانی به افغانستان فراهم نموده است همچنین در زمینه حمل و نقل نیز افغانستان می تواند مسیری مناسب برای انتقال کالاهای ایرانی به بازار های بکر و دست نخورده آسیای میانه بخصوص تاجیکستان باشد. (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۴). لذا افغانستان از سه بعد «فرهنگی - تمدنی»، «اقتصادی - توسعه ای» و «سیاسی - امنیتی» جایگاه ویژه ای در تأمین منافع و امنیت ملی ایران دارد. برای ایران، کشور افغانستان نقطه تمرکز استراتژی بزرگ در سیاست «نگاه به شرق» است. بر همین مبنا بوده که ایران طی ۱۳ سال اخیر از تمامی تحولات مربوط به تقویت روند دولت سازی و ایجاد ثبات به خصوص برگزاری انتخابات عمومی در افغانستان حمایت کرده است. همچنین ایران با حضور نیروهای خارجی به خصوص نیروهای آمریکایی در افغانستان مخالفت کرده و آن را توجیهی برای گسترش جریان افراط گرایی در افغانستان و منطقه می داند. (برزگر، ۱۳۹۳: ۵۶). از طرفی بخش عمده سیاست تهران "در رابطه با افغانستان" مرتبط با ضرورت مقابله با جریان قاچاق مواد مخدر از افغانستان به ایران و متعاقباً به بازارهای اروپایی است. در طی ۲۰ سال اخیر در مرز ایران و افغانستان در مبارزه با قاچاقچیان مواد مخدر بیش از ۳۳۰۰ نفر از کارکنان نیروی انتظامی و سایر نهادهای امنیتی به شهادت رسیده اند. لذا ایران گام های جدی را در زمینه جلوگیری از ورود مواد مخدر از خاک افغانستان بر داشته که به عنوان نمونه ایران در بیش از ۶۰۰ کیلومتر از نواحی مرزی خود با افغانستان موانع تردد ایجاد کرده است. و البته همه اینها برای ایران بسیار هزینه بر می باشد که کشور ایران در سیاست خود نسبت به افغانستان درصدد حل اینگونه مسائل به صورت ریشه ای می باشد. (بیات، ۱۳۹۳: ۲۴)

۲-۲- سیاست خارجی هند نسبت به افغانستان

در سال های اخیر کشور هند به عنوان یک قدرت در حال ظهور در منطقه تلاش گسترده ای داشته است تا بتواند پایه های حضور و نفوذ خود را در کشور های منطقه مستحکم و به طرق

مختلف با آنها ارتباط برقرار نمایند و از پتانسیل‌های موجود در این کشورها در جهت رسیدن به اهداف خود نهایت بهره‌برداری را بنمایند. دکترین کلان سیاست خارجی هند کشورها را به سه دایره متحدالمرکز تقسیم می‌کند که افغانستان در درون دایره نخست قرار می‌گیرد. بنابراین، این کشور دارای اهمیت ویژه‌ای در سیاست خارجی هند است. هند که در زمان تسلط طالبان بر افغانستان نفوذ خود را در این کشور از دست داده بود، پس از ۱۱ سپتامبر رویکردی مثبت و همکاری‌جویانه نسبت به این کشور داشته است. هند درصدد است تا با نقش‌آفرینی بیشتر در تحولات داخلی افغانستان و کمک به بازسازی این کشور، نفوذ دشمن دیرینه خود - پاکستان - را کاهش داده و به «محاصره سیاسی» این کشور پردازد. در این راستا هند سعی کرده است تا با دیگر قدرت‌های منطقه‌ای و تأثیرگذار در افغانستان، نظیر ایران، در زمینه‌های مختلف همکاری داشته باشد (شفیعی و متقی، ۱۳۹۱: ۶۲). لذا یکی از کشورها که در سطح منطقه دارای اهمیت بسیار زیادی در ابعاد مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی برای هند می‌باشد کشور افغانستان است. هند علیرغم اینکه مرز مشترکی با کشور افغانستان ندارد اما به خوبی از اهمیت ژئوپلیتیکی و حساس افغانستان در منطقه آگاه است و طی یک دهه گذشته تلاش زیادی نموده تا روابط خود را با کابل گرم تر نماید که در این راستا و در کنفرانس سال ۲۰۰۲ توکیو که برای بازسازی و کمک مالی به افغانستان برگزار شد شرکت نمود و مبلغ ۴۰ میلیون دلار به افغانستان کمک کرد و این کمک‌ها سالانه رو به افزایش گذاشت تا جاییکه مبلغ این کمک‌ها در مجموع در سال ۲۰۰۹ به ۴۰۰ میلیون دلار رسید. هرچند حجم این کمک‌ها در سال‌های اخیر بسیار زیادتر شده و با توجه به سرمایه‌گذاری‌های متعددی که هند در بخش‌های مختلف اقتصادی افغانستان انجام داده این رقم به بیش از ۲ میلیارد دلار می‌رسد. علاوه بر این با توجه به اینکه کشور افغانستان در قلب آسیا واقع شده و حلقه اتصال بین چین و هند و آسیای میانه تلقی می‌گردد و می‌تواند پل ارتباطی خوبی بین هند و کشور های آسیای میانه باشد لذا هندی‌ها تلاش فراوانی را برای سرمایه‌گذاری در زمینه جاده‌سازی و صنعت ریلی این کشور از خود نشان داده‌اند. همچنین لازم به ذکر است که مساله "نقش هند در افغانستان" پس از سردی روابط میان واشنگتن - اسلام‌آباد به میان آمد که با سفرهای مکرر مقامات عالی رتبه آمریکا به هند (که در یک دهه گذشته و بخصوص بعد از انعقاد قرارداد هسته‌ای موسوم به ۱۲۳ بین هند و آمریکا در سال ۲۰۰۳ رو به گرمی نهاده) که خواهان نقش گسترده و عمیق هند در افغانستان بودند، شدت یافت (شفیعی و متقی، ۱۳۹۱: ۶۵)

لذا هندی ها در سال های اخیر همگرایی و همکاری با دولت افغانستان را در دستور جدی کار خود قرار داده اند و نگاه ویژه ای به این کشور در ابعاد مختلف دارند و در آخرین اقدام برای گسترش نفوذ خود در افغانستان، به خواسته های دولت افغانستان مبنی بر کمک تسلیحاتی به دولت کابل، پاسخ مثبت داده و با این اقدام به مقامات پاکستانی که نگران هرگونه نقش هند پس از خروج نیروهای خارجی از افغانستان بودند، بی اعتنایی کردند و توافقنامه ای را به منظور خریداری جنگ افزارهای سنگین برای افغانستان، با روسیه امضا نمودند. (توحیدی، ۱۳۹۲: ۲۹)

۳-۲- منافع مشترک ایران و هند در افغانستان

همانطور که در بالا ذکر شد زمینه های همکاری بسیار زیادی بین ایران و هند در افغانستان وجود دارد. یکی از مهمترین زمینه های مشترک برای همکاری و همگرایی بین دو کشور مسائل امنیتی و فعالیت گروه های تند رو مذهبی در افغانستان است. ایران نیز همانند هند از نفوذ داعش و طالبان و سایر گروه های تروریستی در کشور افغانستان بیم دارد؛ در سال های اخیر حملات تروریستی گروه های بنیادگرا نظیر جیش العدل و جیش النصر در خاک ایران افزایش یافته است. هرچند که این گروه ها مدتی است که پایگاه های خود را به داخل پاکستان منتقل نموده و از طریق خاک پاکستان دست به اقدامات تروریستی نظیر بمب گذاری در اماکن مذهبی، گروگان گیری و بعضاً عملیات های انتحاری در استان سیستان و بلوچستان - استان های جنوبی و شرقی ایران - می زنند که موجب اعتراض شدید ایران به پاکستان و افغانستان شده است. از این رو به نظر می رسد منافع هند و ایران در افغانستان در بعد امنیتی روزه روز به هم نزدیک تر، و زمینه های همکاری دو طرف بیش از پیش احساس می شود. (Roy, 2011: 101). منافع هند و ایران در بسیاری از زمینه ها در عرض هم قرار می گیرد. شاید بیش از پاکستان، ایران با هند منافع مشترک داشته باشد و نقاط اختلاف و برخوردهای دو کشور نیز اندک است و شاید آن موارد برخورد دیدگاه ها نیز، به واسطه پاکستان ایجاد شده است. ایران در مورد افغانستان تعارض منافع شدیدی با پاکستان داشته و دارد که عمدتاً از سیاست های پاکستان در افغانستان بویژه در دوره اوج فعالیت های طالبان (۱۹۹۴ تا ۲۰۰۱) ناشی می شود. ایران همواره در پی این است که از حضور همه جانبه پاکستان بر امور افغانستان جلوگیری کند. (سریع القلم، ۱۳۷۹: ۱۳۱). ظهور طالبان در افغانستان در دودهمه اخیر، هند و ایران را در ارزیابی هایشان در مورد تهدید های جدید نسبت به امنیت منطقه ای به یکدیگر نزدیک ساخته است. اگر ایران در مورد نقش طالبان در قاچاق مواد

مخدر و رفتار خشن نسبت به اقلیت شیعه نگران است، هند نیز در مورد اتحاد بین پاکستان و افغانستان و نقش آن‌ها در به اصطلاح جهاد کشمیر نگران است. (ناز، ۱۳۸۹: ۵۷۲). هند و ایران در افغانستان به منظور تضمین منافع شان با یکدیگر همکاری دارند. دو کشور نگران تسلط افراط‌گرایان بر عرصه سیاسی افغانستان هستند. هند، طالبان را الگویی از افراط‌گرایی اسلامی می‌بیند که این کشور در کشمیر با آن درگیر است و در دهلی نو دست به حملات تروریستی می‌زند. هند و ایران هر دو از اقلیت اتحاد شمال در برابر طالبان طی سال‌های ۲۰۰۱-۱۹۹۶ حمایت می‌کردند. همچنین هر دو کشور از سرنگونی رژیم طالبان حمایت کردند و نیز هر دو به دنبال جلوگیری از دستیابی مجدد قدرت توسط طالبان یا رژیم‌های مشابه آن هستند. (Fair, 2008: 41)

در کنار گروه طالبان در حدود ۳ سال است که بحث قدرت‌گیری گروه داعش نیز در افغانستان مطرح شده است گروهی که مواضعش به مراتب نسبت به طالبان خشن‌تر و افراطی‌تر می‌باشد و هم‌اکنون در نقاط مختلف افغانستان دارای پایگاه بوده و در حال جذب نیرو می‌باشد و به صراحت دم از تشکیل حکومت خراسان در این منطقه می‌زند. نکته جالب توجه در خصوص این گروه این است که یکی از اصلی‌ترین رهبران داعش که در سال ۱۳۹۵ در ننگرهار افغانستان کشته شد فردی بود به هویت حافظ محمد سعید خان که سابقاً رهبر لشکر طیبه در منطقه کشمیر بوده و در خط مقدم مبارزه با هند در این منطقه فعالیت می‌کرد. (عابدی، ۱۳۹۵: ۱۳۶). از طرفی پاکستان همواره منکر نقش هند در افغانستان بوده و دلیلی برای ارتباط میان هند و افغانستان نمی‌بیند. این کشور نسبت به نفوذ هند در افغانستان حساس است. ایران هم به خاطر حمایت‌های پشت‌پرده پاکستان از گروه طالبان و داعش و تقابل منافع دو کشور در افغانستان همواره از دخالت هند در افغانستان حمایت می‌کند، هر دو کشور از به قدرت رسیدن طالبان و داعش مورد حمایت پاکستان نگرانند و به طور خلاصه منافع دو کشور در افغانستان همپوشانی دارد. (Roy, 2012: 17)

۴-۲- همکاری‌های ایران و هند در افغانستان

به دلیل آنکه ایران و پاکستان از جمله بازیگران مهم و اثرگذار در حوزه افغانستان به شمار می‌آیند و منافع ایران در افغانستان درست نقطه مقابل با پاکستان است و از آنجایی که هند مرز مشترکی با افغانستان ندارد تا بر افغانستان تأثیر مستقل داشته باشد لذا دهلی نو (بجای پاکستان) رو به دیگر بازیگر مهم منطقه در افغانستان یعنی ایران آورده تا منافع خود در افغانستان را تأمین کند. از

این روهنددراین مسئله حساب ویژه‌ای روی ایران باز کرده است. هند و ایران در دوران حکومت حامد کرزی و همچنین اشراف غنی کمک های اقتصادی و مالی و فکری بسیار مهمی به دولت افغانستان ارائه کردند. ایران به عنوان یاور و همکار افغانستان در بازسازی زیرساخت های اقتصادی این کشور از جمله بازسازی جاده ها و سایر مناطق مرزی افغانستان محسوب می شود. به عنوان مثال بخشی از کمک های ایران در چارچوب بازسازی افغانستان، عبارتند از: احداث جاده ۱۲۲ کیلومتری دوغارون به هرات با ۶۸ میلیون دلار سرمایه‌گذاری، پل ۳۲۰ متری میلک با سه میلیون دلار، جاده چهار کیلومتری میلک به زرنج با ۵/۱ میلیون دلار. از دیگر طرحهای عمرانی احداث کارخانه آسفالت "طالبان" با چهار میلیون دلار، جاده ۶۰ کیلومتری هرات به میمنه با ۳۰ میلیون دلار و راه آهن خواف به هرات به طول ۲۰۷ کیلومتر است. ایران در روند کمک به بازسازی افغانستان، توجه خاصی به امور زیربنایی این کشور دارد. در این زمینه می‌توان در بخش صنعت برق، به احداث طرح انتقال ۲۰ کیلو ولت تایباد به هرات، انتقال پست برق ۱۳۲ کیلوولت تربت جام به هرات و احداث پست ۲/۱۳۲ کیلوولت هرات اشاره کرد. در این بخش علاوه بر ارسال و نصب دو ژنراتور ۲۵ مگاواتی در کابل با هفت میلیون دلار هزینه، مطالعه خط انتقال برق در مسیر راغون - سنگتوده - هرات - مشهد، بر اساس تفاهم سه جانبه با تاجیکستان در دستور کار است. بخشی از کمک‌های ایران به احداث ۲۵ پاسگاه مرزی، برگزاری دوره‌های آموزشی، تامین تجهیزات پلیس، ایجاد کلینیک و مرکز آموزش فنی و حرفه زرنج اختصاص دارد. ساخت و تجهیز مرکز آموزش مخابرات کابل، ارایه کمک فنی و اهدای ماشین آلات، اهدای ۵۰ دستگاه اتوبوس به وزارت حمل‌ونقل افغانستان، تجهیز ۱۰ ایستگاه هواشناسی، همکاری‌های گمرکی، ارائه مشاوره، مشارکت در ظرفیت‌سازی مرکز آمار، اهدای لوازم صوتی، کتاب و کمک‌های جنسی به مساجد، بخشی دیگر از کمک‌های ایران به افغانستان را تشکیل می‌دهد. (Daniels, 2013: 96). هند نیز در بازسازی مدارس و ساختمان های مشهور در کابل از جمله ساختمان جدید پارلمان (کاخ دارالعمان) کمک کرده است و نیز در بازسازی جاده ها در جنوب شرق افغانستان یاری رسانده است. هند با سرمایه گذاری در افغانستان سعی دارد به آسیای مرکزی راه یابد بدین منظور این کشور بزرگراهی به طول ۲۱۷ کیلومتر موسوم به بزرگراه زرنج-دلارام را در افغانستان احداث کرد تا به تجارت خود با کشورهای آسیای میانه سرعت بخشد. احداث این بزرگراه که از سال ۲۰۰۲ آغاز شده است ۸۵۰ میلیون دلار برای هند هزینه داشت اما در عوض این

بزرگراه مسیر هند به سمت آسیای میانه را که قبلا از پاکستان می گذشت به طول ۸۰۰ کیلومتر نزدیک تر می کند. (توحیدی، ۱۳۸۸: ۱۶۸) از طرفی هند بسیار مشتاق است تا با وصل کردن این چهارراه حیاتی به چابهار تجارت زمینی و دریایی خود در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس را به هم وصل کند. هرچند ایران نیز در سال های اخیر به دنبال اتصال مرز میلک خود در منطقه زابل به زرنج افغانستان است تا از این طریق خود را به بزرگراه زرنج - دلارام متصل نماید چراکه این بزرگراه این امتیاز را به ایران می دهد که راه اتصالش به ولایت های جنوبی افغانستان تا حدود ۸۰۰ کیلومتر کوتاهتر شود این موضوع حجم مبادلات ایران در افغانستان را گسترش می دهد. (عباسی، رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۱۹).



(سیمبر و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۹۲)

از طرفی هند می تواند به میزان قابل توجهی منافع ایران در افغانستان را تأمین کند و خود نیز به منافع چشمگیری (در کمترین حد، مهار پاکستان) دست یابد. هند نیز از یک افغانستان با ثبات حمایت می کند، افغانستانی که بتواند در آینده نقش پاکستان را به چالش بکشد. جمهوری

اسلامی ایران و هند در موضوعات مربوط به افغانستان با یکدیگر همکاری و رایزنی داشته اند که در این رابطه مساعدت ها و ارائه تسهیلات به طرف هندی برای اجرای پروژه جاده زرنج-دلارام در افغانستان را می توان به عنوان نمونه نام برد. (مدیر شانه چی: ۱۳۹۴)

در مقابل سرمایه گذاری هند در ساختن جاده در افغانستان شدیداً با مخالفت طالبان و حامی آن یعنی پاکستان روبه رو بود چراکه ساخت بزرگراه به وسیله هند نه تنها ارتباط افغانستان و مناسبات تجاری این کشور با جهان خارج را ارتقاء می دهد، بلکه تجارت و نفوذ ایران و هند -کشورهایی که روابطشان با اسلام آباد و پاکستان سرد است- را در منطقه افزایش می دهد. پاکستان از تکمیل این بزرگراه-زرنج دلارام- که به حضور و نفوذ چند جانبه هند در ناحیه شمالیش یعنی آسیای مرکزی منجر می شود هراسان است. سازمان راهسازی هند از سال ۲۰۰۲ در زمینه ساخت بزرگراه ۲۱۷ کیلومتری زرنج-دلارام در جنوب غربی افغانستان وارد عمل شده است که زرنج را که در مرز با ایران قرار دارد به دلارام وصل کند که البته این مهم در سال ۲۰۰۸ تا حدود زیادی محقق شد. (Dietl, 2012: 14). بزرگراه فوق از طریق ارتباط با سایر شاهراه های اصلی در افغانستان، شهرهای مهم و استراتژیک افغانستان یعنی کابل، قندهار، هرات، مزار شریف و قندوز را به هم وصل می کند. زمانی که این بزرگراه تکمیل شود زرنج به چندین شهر افغانستان وصل می شود. احداث این بزرگراه برای ایران نیز بسیار حائز اهمیت است چراکه ایران در حال حاضر در تلاش برای افزایش مواصلات جاده ای خود از این نقطه (زرنج) به سایر شهرهای افغانستان می باشد. ایران همچنین ساخت پل حیاتی بر روی رودخانه هیرمند را در دستور کار خود قرار داده تا مرز میان خودش و افغانستان را مشخص کند. همچنین ایران در حال ارتقاء و بهبود این جاده از چابهار به زرنج می باشد. (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۴). با احداث و راه اندازی بزرگراه زرنج -دلارام این امکان در کشور افغانستان به وجود آمده که کالاها از شهرهای اصلی افغانستان و از طریق زمینی به سمت مرزهای ایران ارسال و از آنجا به چابهار و بر عکس منتقل شوند. بزرگراه زرنج -دلارام، افغانستان محصور در خشکی را به شاهرگ حیاتی ارزشمندی تبدیل کرده است. در گذشته راه دستیابی افغانستان به دریا از طریق پاکستان و از مسیر پیشاور به سمت بندر کراچی بود که عبور این جاده از مسیر پاکستان مشکلاتی را برای افغانستان ایجاد می کرد. به عنوان مثال پاکستان اغلب ارسال کالاهایی که برای بازسازی افغانستان ارسال شده بود را به تاخیر می انداخت. اما اکنون بزرگراه دلارام-زرنج حق انتخاب دیگری برای افغانستان از مسیر ایران فراهم

آورده است. (Roy, 2012: 22). در سالیان اخیر ایران به همراه هند بیشترین کمک های مالی را در میان کشور های منطقه به افغانستان داشته اند؛ در کنفرانس توکیو در سال 2002 جمهوری اسلامی ایران و هند به ترتیب ۵۰ و ۴۰ میلیون دلار به این کشور اختصاص دادند. این در حالی است که هند در کنفرانس لندن در سال 2006 رقم کمک های خود را به افغانستان به ۶۰ میلیون دلار رساند و البته این کمک ها به جز سرمایه گذاری های کلان دو کشور ایران و هند در بخشهای مختلف اقتصادی و حمل و نقل افغانستان می باشد (عباسی و رنجبردار، ۱۳۹۰: ۲۰۸). بطوریکه که هندی ها در سال ۲۰۱۲ مبلغ ۳۲۹ میلیون دلار دیگر را برای کمک به بخش های مختلف افغانستان شامل ۱۰۰ میلیون دلار برای توسعه طرح های عمرانی کوچک و ۲۰ میلیون دلار برای طرح های مردمی در نواحی سرحدی اختصاص دادند. (سیمبر و بهرامی مقدم، ۱۳۹۴: ۹۲)

از سوی دیگر روابط فرهنگی و اقتصادی هند با افغانستان موجب شده که این کشور همواره در رقابت با پاکستان توجه بیشتر و مطلوب تری به افغانستان داشته باشد. این قضیه در نحوه برخورد با مسئله حضور آمریکا در افغانستان و مساعدت های قابل توجه هند به بازسازی افغانستان به وضوح قابل مشاهده است. (Pant, 2011: 16) البته لازم به ذکر است که روابط فرهنگی بین هند و افغانستان محدود به دوره های حاضر نمی شود، بطوریکه پیش از ظهور دین اسلام دین بودا که بومی هند بود از طریق افغانستان امروزی به وسیله کوشان شاهان در حدود دو قرن قبل از میلاد مسیح وارد چین و سرزمین های خاور دور شد و بر فرهنگ آنها تاثیر گذاشت. (امین، ۱۳۷۸: ۲۸)

۵-۲- ضرورت همکاری ایران با هند در افغانستان

آنچه بر لزوم همکاری بیش از پیش ایران و هند در افغانستان اهمیت می بخشد همان منافع و تهدیدات مشترکی است که از جانب گروه های تروریستی و یا قدرت های فرا منطقه ای متوجه دو کشور می باشد. چراکه افزایش همکاری ها و نفوذ ایران و هند در افغانستان مانع از حضور کشور هایی مانند چین و آمریکا و پاکستان در افغانستان خواهد شد. آنچه برای ایران مهم است بهره گیری از قدرت درون زا و فزاینده هند در منطقه است. از طرفی منافع ایران در افغانستان با بازیگران اصلی این حوزه نظیر آمریکا و پاکستان در تضاد است، بخصوص اینکه ایران خواستار خروج کامل آمریکا و نیروهای ناتو (که در سال های اخیر منبع بسیاری از نابسامانی ها در سطح منطقه به خصوص افزایش کشت خشخاش و تولید مواد مخدر هستند) از افغانستان است. از طرف

دیگر هند نیز اگر چه در ابتدا موافقت خود را با حمله آمریکا به افغانستان اعلام کرد ولی اکنون عرصه را بر خود تنگ می بیند؛ بخصوص که در حال حاضر مقامات آمریکایی از تقسیم طالبان به خوب و بد و مشارکت طالبان خوب در حکومت افغانستان سخن به میان می آورند. البته این در شرایطی است که ما همه روزه شاهد افزایش نفوذ و حضور آمریکادر هند هستیم اما این نکته نیز مشخص است که هندی ها از هرگونه اقدام امریکادر سطح منطقه که امنیت و منافع آنها را به خطر بیندازد شدیداً نگران می شوند. (نیاکوئی و بهرامی مقدم، ۱۳۹۳: ۱۳۷)

هر دو کشور ایران و هند از توانایی یکدیگر برای دست یابی به حداکثر منافع ممکن در افغانستان آگاه می باشند. از آنجایی که ایران متحدی در عرصه افغانستان ندارد لازم است مواضع خود را به هند نزدیک تر کند و ضمن حمایت از هند در جهت ایفای نقش مؤثرتر در افغانستان، از وزنه قدرتمند این کشور جهت تعدیل نفوذ ایالات متحده و پاکستان استفاده بیشتری نماید. شایان ذکر است که سیاست جمهوری اسلامی ایران در افغانستان باید به گونه ای طراحی شود که مانع از رخنه و نفوذ قدرتهای متخاصم از جمله آمریکا در افغانستان شود و برای نیل به این هدف اولاً باید نوعی محور تمدنی ملی-اسلامی را (ایران- افغانستان- تاجیکستان) شکل دهند و از سوی دیگر با قدرتهای دیگر از جمله روسیه، هند، کشورهای آسیای مرکزی و حتی چین و اروپا دست به اتحادها و ائتلافهایی در مخالفت با محور آمریکا و همپیمانانش در افغانستان بزنند. (شفیعی، ۱۳۸۴: ۲۳۳ و آقاجری و کریمی، ۱۳۹۴: ۲۸). بحران هایی نظیر بحران افغانستان به مقامات آمریکایی این فرصت را می دهد تا با حمایت از یکی از طرفین منازعه در این بحران ها، خود را وارد معادلات منطقه ای در نزدیک ترین فاصله به مرزهای امنیتی جمهوری اسلامی ایران کرده و از منافع حاصل از آن بهره برداری نمایند. (برزگر، ۱۳۹۳: ۴۰). شاید بتوان یکی از دلایل رشد تروریسم در منطقه را در عدم برنامه ریزی مشترک ایران و هند به عنوان دو کشور مهم منطقه ای عنوان کرد؛ این دو کشور که از ناحیه تروریسم بیش از سایر کشورها آسیب دیده اند می توانند اتحادی را علیه تروریسم جای گرفته در میان دو کشور فیما بین آنان یعنی افغانستان و پاکستان، بوجود آورند تا بدین ترتیب زمینه حضور نیرو های خارجی را نیز کاهش داده باشند. (Pant, 2011: 16). ایران و هند نگرانی ها و منافع مشترکی در دو کشور افغانستان و پاکستان دارند که با همکاری مشترک می توانند اهداف خود نائل شوند. امنیت افغانستان و پاکستان موجب ارتقای سطح امنیت ایران و هند خواهد شد. گرفتاری هایی که برای ایران در افغانستان پدید آمده، در کل روئیده سیاست های

پاکستان در برابر ایران بوده است. تاریخچه همین چند ساله اخیر-پس از پایان جنگ های جهادی و روی کار آمدن حکومت ربانی در کابل و سپس ظهور طالبان در صحنه افغانستان-گویای این واقعیت است که پاکستان اساس روابط خود با ایران را براساس فریبکاری استوار کرده است. وجود پیمانهای استراتژیک کابل با دهلی نو، پیوندهای گوناگون کابل با ایران و نگاه مثبت افغانستان به ایران می تواند رویکردهای سه جانبه اقتصادی، امنیتی و سیاسی دو کشور ایران و هند را در موضوع افغانستان مستحکم تر کند. (شفیعی و متقی، ۱۳۹۱: ۶۵). همچنین روابط رو به رشد هند و آمریکا در سال های اخیر و به خصوص بعد از انعقاد قرارداد هسته ای موسوم به ۱۲۳ که در سال ۲۰۰۳ بین دو کشور فوق منعقد شد باعث شده هند -حداقل در ظاهر- مواضع خود را با آمریکا هماهنگ کند و تأکید بیشتری بر مبارزه با گروه های افراطی (به عنوان شعار و بهانه اصلی حضور آمریکا) در منطقه ردا داشته باشد. البته هند می داند حضور دائمی آمریکا در افغانستان با رشد تروریسم و کاهش مانور هند در افغانستان همراه است. این در حالی است که دو کشور هند و ایران تهدیدات مشترکی از ناحیه افغانستان دارند و در عین حال دو کشور نسبت به جنگ آمریکا علیه افغانستان اختلاف نظر داشتند بطوریکه ایران حضور آمریکا را در منطقه اولاً به ضرر منافع خود می دانست و دوماً آنرا عاملی برای رشد فعالیت های جاسوسی و ضد امنیتی بر علیه خود قلمداد می کرد و برعکس هند خواهان حضور آمریکا در افغانستان بود چراکه تصور می کرد حضور آمریکا در افغانستان فرصت مناسبی برای نابودی تروریسم و گروه های تندرو مذهبی در این کشور است. همچنین ایران خروج کامل غرب را خواهان است ولی هند تعامل غرب در افغانستان را طالب است. ایران آمریکا را و هند طالبان را بیشترین خطر می پندارند. (کلانتری، ۱۳۸۸: ۹). البته موقعیت ژئوپلیتیکی افغانستان در کنار ایران اسلامی و هند در حال ظهور، چین قدرتمند و روسیه بازمانده از شوروی، پاکستان اتمی متزلزل و کشمیر زخم خورده آنقدر جذابیت دارد که آمریکا و غرب مسیحی را خاطرخواه خود نماید و در افغانستان ماندگار باشد. لازم به ذکر است با وجود تمام مطالب پیش گفته همکاری های سیاسی و اقتصادی دو کشور ایران و هند در زمینه رویاروی با مسایل منطقه ای بویژه در خصوص افغانستان و پاکستان که به شکل طبیعی ائتلاف این دو دولت را می طلبد نیز به دلایل ائتلاف های جدید بین المللی هند (بخصوص با آمریکا و اسرائیل)، تردیدهای آن کشور در منطقه، نوع استراتژی سیاست خارجی هند و احزاب و گروه های حاکم در این کشور، به صورت کامل شکل نگرفته است. (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۹۱).

افزایش تقاضای هند در دهه های آینده به منظور ایفای نقش مؤثرتر در محیط امنیتی خود، پای آن کشور را به شکل عمیق تر به رقابت میان قدرت های بزرگ در مناقشات مختلف دنیا، باز خواهد کرد. بدین لحاظ هند در حال ظهور برای مدت زمان طولانی از سیاست های قدرت های بزرگ در امان نخواهد ماند و نهایتاً در حصار ملاحظاتی قدرت های بزرگ گرفتار خواهد شد. به علاوه، همانند سایر قدرت های بزرگ پیش از خود، با خطر قربانی شدن منافع ملی خود در جهت منافع فراملی مواجه می باشد. (توحیدی، ۱۳۸۹: ۲۲)

در طول بیست سال گذشته، هند خودش را به عنوان اقتصادی فعال و در حال رشد مطرح کرده است که هم اکنون رونق آن به منابع انرژی خاورمیانه و کشورهای آسیای مرکزی وابسته است. افغانستان به طور ژئواستراتژیکی در میان این منطقه واقع شده است. تسلط پاکستان بر افغانستان سد نیرومندی در برابر هند است که با ساخت بندر گوادر در ساحل بلوچستان توسط چینى ها این خطر بیشتر شده است. این بندر قابلیت آن را دارد که آبراه های هند را تهدید کند. البته هندی ها در زمینه رقابت با پاکستان برای نفوذ در افغانستان تلاش زیادی می کنند تا گوئی سبقت را از این کشور برابند و در این زمینه حجم سرمایه گذاری ها و کمک های مالی خود به افغانستان را به ۶ برابر پاکستان رسانده اند. (مدیرشانه چی: ۱۳۹۴). نفع هند در یک افغانستان با ثبات نهفته است. بنابراین تلاش دیپلماتیک هند بایستی بر مبنای توسعه و اجرای طرح های عمرانی در افغانستان، متمرکز شود این امر به سه صورت در بهبود سیاست دیپلماتیک هند در افغانستان مفید خواهد بود.

۱- سیاست خارجی فعال در برقراری رابطه با بازیگران مهم از قبیل ایران، روسیه و چین: چرا که یک افغانستان با ثبات اهمیت خاصی برای هر سه کشور فوق دارد. این امر همچنین موجب خواهد شد که سیاست خارجی هند در گرو روابط آمریکا با کشور های مذکور نباشد. همکاری بین ایران و هند در زمینه تسهیلات زیربنایی و مسیرهای ارتباطی از طریق ایران به افغانستان، می تواند منجر به مشارکت مؤثر بین دو کشور شود.

۲- اتخاذ سیاست مشترک منطقه ای (ایران، روسیه و چین) در زمینه ثبات در افغانستان منجر به کاهش نگرانی امنیتی و سیاسی پاکستان خواهد شد؛ چراکه پاکستان به ایران، چین و روسیه نسبت به سایر کشورها ضریب اطمینان بیشتری دارد.

۳-دیپلماسی فعال هند با بازیگران اصلی در منطقه می تواند کانون تحرکات سیاسی را از چانه زنی به سمت حل مشکل سوق دهد. بنابراین لازم است هند هیئت های بیشتری را به ایران، چین و روسیه، به منظور تبادل نظر در مورد موضوع افغانستان اعزام نماید. (دهقان و کاظمی، ۱۳۹۰: ۹۴)

۳-نتیجه

موقعیت استراتژیک و حساس افغانستان و واقع شدن این کشور در حلقه اتصال مناطق جنوب آسیا با آسیای مرکزی، حضور و فعالیت گروه های تندرو مذهبی مانند داعش، طالبان و بعضا القاعده در این کشور و همجواری با پاکستان از یک طرف و از طرف دیگر تولید انبوه مواد مخدر و حضور گسترده نیروهای فرامنطقه ای در این کشور و همچنین پتانسیل بسیار مساعد کشور افغانستان در مسائل اقتصادی و حمل و نقل، افغانستان را به کانون توجهات دو کشور هند و ایران در سطح منطقه تبدیل کرده است و دو کشور فوق را به این نتیجه گیری رسانده که بسیاری از مسائل اقتصادی، سیاسی و امنیتی آنها در منطقه اولاً از طریق افغانستان و ثانیاً از طریق همکاری های مشترک بین دو کشور حل و فصل خواهد شد. لذا مقامات دو کشور ایران و هند به عنوان دو کشور تاثیرگذار و قدرتمند که هر کدام پتانسیل های مهمی از قدرت را در سطح منطقه در اختیار دارند در سال های اخیر به این نتیجه رسیده اند که در سایه همکاری های گسترده با یکدیگر می توانند ضمن دفع تهدیدات متصوره از سوی افغانستان از پتانسیل های موجود در این کشور برای منافع ملی خود به صورت مطلوب استفاده نمایند و یکی از راه های اصلی این مهم را در سرمایه گذاری های اقتصادی و کمک به رفع مسائل و مشکلات زیر بنایی و اقتصادی افغانستان دیده اند و لذا دو کشور فوق می توانند با تعامل سازنده با یکدیگر و سپس با جلب اعتماد مقامات افغانی اولاً بسیاری از مسائل امنیتی خود را در منطقه حل و فصل نمایند ثانیاً در بعد اقتصادی و حمل و نقل زمینی نیز منافع زیادی را از طریق افغانستان کسب کنند و ثالثاً مانع از حضور و نفوذ بیش از پیش قدرت های فرامنطقه ای در این کشور شوند. البته لازم به ذکر است با وجود تمام مطالب پیش گفته همکاری های سیاسی و اقتصادی دو کشور ایران و هند در زمینه رویارویی با مسایل منطقه ای بویژه در خصوص افغانستان و پاکستان که به شکل طبیعی ائتلاف این دو دولت را می طلبد نیز به دلایل ائتلاف های جدید بین المللی هند (بخصوص با آمریکا و اسرائیل)، تردید های آن کشور در منطقه، نوع استراتژی سیاست خارجی هند و احزاب و گروه های حاکم در این کشور، به صورت کامل شکل نگرفته است.

۴-منابع

- ۱- آقاجری، محمدجواد، کریمی، مرتضی، نقش بازیگران منطقه ای در فرایند دولت سازی افغانستان در دوران طالبان و پسا طالبان، فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، دوره هشتم، شماره ۳۰، تهران، تابستان، ۱۳۹۴
- ۲- امین، سید حسن، بازتاب اسطوره بودا در ایران و اسلام، چاپ اول، تهران، نشر میر کسری.
- ۳-برزگر، کیهان، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران پس از سقوط طالبان در افغانستان، مجله امریکایی واشنگتن کوار ترلی، تهران، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۳.
- ۴- بیات، فرنگیس، سیاست خارجی ایران و معضل مواد مخدر افغانستان، سایت دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۳.
- ۵- توحیدی، ام البنین، رویکرد سیاست خارجی هند، قدرت های آسیایی، تهران، معاونت پژوهش های سیاست خارجی وزارت امور خارجه، ۱۳۹۰.
- ۶- _____، ظرفیت ها و محدودیت های روابط ایران و هند، www.csr.if.iran.ac.ir، ۱۳۸۹.
- ۷- توحیدی، زهرا، رویکرد نوین سیاست خارجی هند، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، معاونت پژوهش های سیاست خارجی، نشر در قدرت های آسیایی، ۱۳۸۶
- ۸- حافظ نیا، محمدرضا، روش پژوهش در علوم انسانی، چاپ اول، تهران، انتشارت سمت، ۱۳۹۰
- ۹- دهقان، یدالله، کاظمی، مهدی، بررسی روابط ایران و هند در سایه ظهور هند به عنوان یک قدرت منطقه ای، تهران، موسسه تحقیقاتی ابرار معاصر، ۱۳۹۰
- ۱۰- سریع القلم، محمود، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ بازبینی نظری و پارادایم ائتلاف، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک، ۱۳۷۹
- ۱۱- سیمبر، رضا، سجاد بهرامی مقدم و مهدی زیبایی، سیاست خارجی هند، رشت، اداره چاپ و انتشارات دانشگاه گیلان، ۱۳۹۰.
- ۱۲- شفیعی، نوذر، استراتژی امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مطالعات استراتژیک در جمهوری اسلامی ایران، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۸۴

- ۱۳- شفیعی، نوذر و مریم اسکندری، **بحران کشمیر: ارزیابی سناریوهای حل بحران**، مجله رهیافت های سیاسی و بین المللی، شماره ۲۸، تهران، زمستان، ۱۳۹۰
- ۱۴- شفیعی، نوذر، متقی، افشین، **رویکرد هند در قبال افغانستان پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱: با نگاه به ایران**، فصلنامه بین المللی ژئوپلتیک، سال هشتم، دوره ۲۶، شماره دوم، تهران، تابستان، ۱۳۹۱
- ۱۵- عابدی، اکبر، **آشنایی با جریان های سلفی تکفیری**، تهران، سپاه پاسداران، مرکز باقرالعلوم، ۱۳۹۵.
- ۱۶- عباسی، ابراهیم، رنجبردار، مجید، **کمک های مالی ایران به افغانستان**، تهران، فصلنامه روابط خارجی، شماره سوم، سال سوم، ۱۳۹۰
- ۱۷- کلانتری، جلال، **سمینار بین المللی ایران و هند در دوره معاصر**، تهران، ماهنامه رویدادها و تحلیل ها، سال بیست و دوم، شماره ۲۴۰، ۱۳۸۸.
- ۱۸- مدیر شانه چی، محسن، **عوامل و اهداف راهبردی در روابط هند و افغانستان**، فصلنامه مرکز مطالعات صلح، دوره دوازدهم، شماره دوم، تهران، ۱۳۹۴
- ۱۹- ناز، فرح، **روابط ایران و هند ۱۹۴۷ تا ۲۰۰۰**، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۱۵، شماره سوم، تهران، ۱۳۸۰.
- ۲۰- نیاکوئی، سید امیر، بهرامی مقدم، سجاد، **روابط ایران و هند فرصت ها و محدودیت ها**، فصلنامه روابط خارجی، سال ششم، شماره اول، ۱۳۹۳
- ۲۱- ویمر، راجردی و دومنیک، جوزف، **تحقیق در رسانه های جمعی**، ترجمه کاووس سیدامامی، چاپ سوم، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۸۴.

22-Dietl, Gulshan. 2012. "India's Iran Policy in the Post-Cold War Period", Strategic Analysis, Vol. 36, No. 6, pp.871-881.

23-Daniels, Rorry. 2013. "Strategic Competition in South Asia: Gwadar, Chabahar, and the Risks of Infrastructure Development", American Foreign Policy Interests, 35. 2: 9, pp. 3-100.

24-Fair, C. Christine. 2007. "India and Iran: New Delhi's Balancing Act", Washington Quarterly 30, 3, pp. 145-159.

25-Roy, Singh. 2012. "Iran: India's Gateway to Central Asia", Strategic Analysis.

26-Roy, Meena. 2011. "**Engaging Iran in the New Strategic Environment: Opportunities and Challenges for India**", Strategic Analysis, 35(1), pp. 101–102 to Implement Agreement on Central Asia–Persian Gulf Corridor, Asia Times, 13 May 2011.

27-Pant, Harsh V. 2011. "**India's Relations with Iran: Much Ado about Nothing**", The Washington Quarterly 34. 1: 61-74.